

آشنایی  
با  
بازارهای  
جهانی

۱۳

آشنایی  
با  
بازار  
آفریقای جنوبی

## نگاهی اجمالی به وضعیت اقتصادی و پیشینه روابط ایران و آفریقای جنوبی (۶)

رگه‌ها یا رنگین‌پوستان مخلوطی از سه نژادند و هندی‌ها نیز جمعیتی قابل توجه یافته‌اند.

در یک تفکیک کلی و بر حسب نژاد جمعیت این کشور به چهار گروه تقسیم می‌شوند:

جدول ۴۵: گروه‌های قومی آفریقای جنوبی در سال ۱۹۹۰

جمعیت	گروه‌های قومی
۲۱,۶۰۹,۰۰۰	آفریقایی
۵,۰۱۸,۰۰۰	اروپایی
۳,۲۱۴,۰۰۰	رنگین‌پوست
۹۵۶,۰۰۰	آسیایی

مأخذ: Europa Yearbook, opcit. P. 2572

طبیعتاً شیوه زندگی و الگوی مصرف هر یک از این گروه‌ها، حتی پس از سال‌ها همجواری و آمیزش نسبی با دیگری متفاوت می‌نماید. تفاوت، بیش از همه بین شیوه زندگی سفیدپوستان با سایر اقوام و نژادها است. با این وجود، مصرف بین سفیدپوستان نیز (نظیر مصرف بین سایر گروه‌ها) به تبعیت از کشور منشأ آنها، و سایر تمایزاتی که با یکدیگر دارند، متفاوت است. از حدود ۵ میلیون اروپایی، ۴۰ درصد آلمانی‌الاصل، ۴۰ درصد هلندی‌الاصل، ۷/۵ درصد

### عوامل اصلی تعیین‌کننده بازار مصرف

جمعیت

واردات به آفریقای جنوبی، خودبه‌خود و بر حسب آمار سال ۱۹۹۴ دارای یک بازار ۴۰/۶ میلیون نفری (جمعیت آفریقای جنوبی) است: ۲۰/۶ میلیون نفر مرد و ۲۰ میلیون نفر زن که زنان با ۶۷ سال، متوسط عمری ۶ سال بیش از مردان دارند. مجموعاً برخلاف بسیاری از کشورهای جهان یا با حدت و شدت بسیار بیشتری نسبت به اکثریت کشورهای که دارای تفاوت‌های جمعیتی - نژادی - مذهبی هستند، این جمعیت و بنابراین بازار آفریقای جنوبی، یک بازار یکدست نیست.

علاوه بر تفاوت جنسی که در متوسط عمر زن و مرد نیز متجلی شده است حدود ۳۸ درصد جمعیت آفریقای جنوبی را کمتر از پانزده ساله‌ها تشکیل می‌دهند که طبیعتاً بر ساختار مصرفی آن کشور اثر می‌گذارد. بر تراز این تفاوت‌ها، ترکیب اصولی - نژادی جمعیت این کشور است. تعداد بسیار زیادی از جمعیت آفریقای جنوبی را سیاهپوستان تشکیل می‌دهند که در طول تاریخ، به ویژه در دهه‌های اخیر و در جست‌وجوی کار، به این کشور مهاجرت کرده‌اند. سفیدپوستان نیز از ۱۶۵۲ مهاجرت هلندی‌ها، ۱۸۲۰ مهاجرت انگلیسی‌ها، و نیز مهاجرت برخی از سایر اقوام اروپایی، جمعیتی قابل توجه یافته‌اند. دو

جدول ۴۶: مهاجرت

۱۹۹۱	۱۹۹۰	۱۹۸۹	مهاجرت به داخل از:
۲۰۶۵	۳۰۸۴	۳۱۰۱	آفریقا
۵۷۶۷	۷۵۶۰	۵۹۵۳	اروپا
۳۶۵۰	۲۸۷۳	۱۳۷۹	آسیا
۷۰۲	۸۳۹	۵۸۵	آمریکا
۱۹۵	۱۷۹	۱۹۰	اقیانوسیه
۱۳۳۷۹	۱۴۴۹۹	۱۱۲۷۰	جمع
			مهاجرت به:
۲۱۲	۲۶۹	۲۵۶	آفریقا
۲۴۰۸	۲۳۷۱	۱۹۲۰	اروپا
۶۲	۹۷	۹۸	آسیا
۵۹۳	۶۲۹	۶۷۹	آمریکا
۹۷۸	۱۳۵۶	۳۵۸	اقیانوسیه
۴۲۵۶	۴۷۲۲	۴۹۱۱	جمع

مأخذ: Europa Yearbook ibid P. 2773

مهاجرت‌ها روابطی اجتماعی بین آفریقای جنوبی و برخی دیگر از کشورهای به وجود آورده‌اند که منجر به روابط سیاسی - اقتصادی و نهایتاً روابط ریشه‌دار بازرگانی بین آنها گشته است.

### وضع اجتماعی

اگرچه از سال ۱۴۸۵ پرتغالی‌ها به آفریقای جنوبی رفت‌وآمد می‌کردند، در سال ۱۶۵۲ گروهی هلندی در ناحیه کیپ مستقر گشتند و طبیعتاً روابط بازرگانی آن سرزمین با هلند برقرار گردید.

در سال‌های ۱۷۹۵ و ۱۸۰۶ انگلیسی‌ها نیز به همان ناحیه وارد شدند و روابط عظیم اقتصادی بین آن سرزمین و امپراتوری بریتانیا (انگلستان و کشورهای تحت‌الحمایه آن نظیر هندوستان، اندونزی و...) توأم گردید. در ضمن انگلیسی‌ها که تقریباً از همان بدو ورود با بومیان به نزاع پرداخته، استخدام کارگران بومی را در بهره‌برداری‌های خود مشکل می‌دیدند، به ورود گروهی کثیر کارگر هندی اقدام کردند.

در آغاز قرن بیستم قوای نظامی انگلستان علاوه بر غالب

فرانسوی‌الاصل، ۷/۵ درصد انگلیسی - اسکاتلندی و بقیه از سایر کشورهای اروپا هستند. در این بین نژاد آلمانی که در تاریخ روابط بین ایران و آلمان در قرون اخیر، و بنابراین با تجربه تاریخی ثابت شده است گرایش به مصرف بسیاری از کالاها و تولیدات گرانبهای ایرانی دارد که فرش دستباف نمونه‌ای از آنهاست. همین گرایش تا حدودی نزد هلندی‌ها، فرانسوی‌ها و انگلیسی‌های تاجرپیشه نیز مشاهده شده است. سایر اروپاییان که بیشتر یونانی‌ها، ایتالیایی‌ها، اسپانیایی‌ها و پرتغالی‌ها هستند، الگوی مصرفی مدیترانه‌ای دارند.

با این همه آنچه برای ما ناشناخته است، الگوی مصرف اکثریت جمعیت این کشور متشکل از آفریقاییان، رنگین‌پوستان و آسیایی‌ها است.

جمعیت روستایی را غالباً آفریقاییان تشکیل می‌دهند. طبق آمار سال ۱۹۹۱، ۹۶ درصد آسیایی‌ها، ۹۱ درصد سفیدپوستان، ۸۳ درصد رنگین‌پوستان و ۴۷ درصد سیاه‌پوستان ساکن مناطق شهری بوده‌اند.

نرخ رشد جمعیت آفریقای جنوبی حدود ۲/۵ درصد است و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۰۵ جمعیت این کشور به ۵۳ میلیون نفر برسد که ۸۰ درصد سیاه‌پوستان، ۱۰ درصد سفیدها و ۱۰ درصد هم آسیایی‌ها و دورگه‌ها خواهند بود.

جمعیت فعال آفریقای جنوبی در آغاز دهه ۱۹۹۰ حدود ۱۱/۱ میلیون نفر برآورد شده، مرکب است از ۷/۴ میلیون نفر سیاه‌پوست، ۲/۱ میلیون نفر سفیدپوست، ۱/۲ میلیون نفر رنگین‌پوست و ۳۵۰ هزار نفر از نژاد آسیایی.

بنابراین آفریقاییان جوان، روستایی یا مجموعاً از خانواده کارگری در جامعه مصرف‌کننده آفریقای جنوبی از حیث جمعیت در اکثریت می‌باشند.

با این همه، جمعیت این کشور جمعیتی بسته، نسبتاً ساکن و تنها متکی بر رشد طبیعی نیست تا بتوان نسبت به کم و کیف آن، به‌ویژه در ارتباط با مصرف و عادات مصرفی، به پیش‌بینی پرداخت. بلکه جمعیتی است متحرک، حتی سیال و با تحولاتی نسبتاً شدید. آمار آخرین مهاجرت‌ها از این کشور و نیز به این کشور، مجموعاً به کم و کیف تحولات جمعیتی این کشور گواهی می‌دهند.

در جداول مهاجرتی آفریقای جنوبی آنچه بیش از همه مهم به نظر می‌رسد، نسبت قابل‌توجه مهاجرین اروپایی به این کشور و نهایتاً پیش‌بینی پیامدهای اقتصادی - بازرگانی، به‌ویژه تحولات ساختاری مصرف در آفریقای جنوبی است.

طوایف بومی، بر هلندی‌های مستقر در ناحیه (بوئرها)<sup>۱</sup> نیز غلبه کرد.

بعداً در طول تاریخ معاصر، اروپاییان مهاجر به آفریقای جنوبی هم به اتحاد گراییدند و هم هر یک به سهم خود روابط تجارت خارجی آن سرزمین را به سوی اروپا، به‌ویژه به سوی کشورهای مبدأ و غالباً حامی خود (انگلستان، هلند، آلمان، سوئیس، فرانسه و...) سوق دادند. این روابط تاریخی - تجاری طی چند قرن اخیر شکل گرفته و به‌مرور زمان چنان استحکامی یافته است که حتی تضعیف آن بعید می‌نماید.

در این میان مهاجرین کشورهای درحال توسعه به آفریقای جنوبی، نظیر هلندی‌ها، اندونزیایی‌ها، سنگالی‌ها و غیره اگرچه معدودتر و از نظر قدرت سیاسی - اقتصادی و به‌ویژه پشتیبانی خارجی (از سوی دولت مبدأ خود) بسیار ضعیف‌تر بوده‌اند، اما به هر حال مؤثر واقع شده، روابط هندوستان، سنگاپور، اندونزی، زیمبابوه، موزامبیک، مالاوی و... با آفریقای جنوبی نیز بالنسبه قابل توجه است. به‌خصوص هندوستان که پس از مهاجرت کارگری، گروهی تجارت‌پیشه نیز از آن کشور به آفریقای جنوبی مهاجرت کردند و به‌علاوه بسیاری از همان کارگران اولیه و بازماندگان آنان که غالباً در ناحیه ناتال مستقر گشته‌اند به تجارت رو آوردند.

به این ترتیب اگر نگوییم سیمای اصلی طبقات یا قشرهای اجتماعی آفریقای جنوبی، لاقلاً سلسله مراتب قدرت اقتصادی آن کشور به‌ویژه میزان روابط بازرگانی خارجی آن با توجه به مهاجرت‌های خارجی ترسیم شده است. اما همین سلسله مراتب در داخل، چه از نظر بازار کار و چه از نظر مصرف‌نهایی کالاها و خدمات، تضادهایی به‌وجود آورده است که به عنوان مسایل اجتماعی، فضای اقتصادی آن کشور را تحت‌تأثیر قرار داده، به‌نظر می‌رسد از این به بعد بیش از پیش مؤثر واقع شوند. آپارتاید (جدایی نژادی) شاید مهم‌ترین مسأله اجتماعی - اقتصادی آفریقای جنوبی بوده است که طبیعتاً نمی‌تواند دفعتاً واحده از بین برود. این پدیده تقریباً منحصر به فرد (به لحاظ مبتنی بودن بر قانون) که در تاریخی نسبتاً طولانی و تا حدود بسیار زیادی مسایل اقتصادی - بازرگانی را نیز تحت‌الشعاع خود قرار داده است، متأثر از عقاید مربوط به مالکیت و حکومت بر آفریقای جنوبی بوده، از جمله طی آن سفیدپوستان مدعی هستند که سیاهپوستان - یا فی‌الواقع غالب سیاهپوستان - نیز مانند آنان مهاجر به این سرزمین بوده، حقی بیش از ایشان بر آن ندارند. با این تفاوت که از نظر نژادی پست‌اند و نمی‌توانند با

سفیدپوستان اروپایی که از نژاد مافوق‌اند، دارای حقوقی مساوی باشند.

با همین تصور، حزب ناسیونالیست آفریقای جنوبی پس از رسیدن به قدرت در سال ۱۹۴۸ قوانینی وضع کرد که از جمله آنها منع ازدواج بین سفیدپوستان و سیاهپوستان، منع زندگی این دو نژاد در محله‌هایی واحد، منع تحصیلات فرزندان آنان در مدارس واحد، و به‌طور کلی عدم برخورداری سیاهپوستان از حقوق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی سفیدپوستان بود. جدایی نژادی که عملاً به جدایی اجتماعی منجر گردیده است، به تدریج جدایی اقتصادی و بازرگانی را نیز شکل داده است. سیاهپوستان که اکثریت جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، در اداره امور اقتصادی - بازرگانی کشور نقشی بسیار کوچک‌تر و آن هم بیشتر در این اواخر ایفا می‌نمایند.

کارگران آفریقای جنوبی بیش از همه از سیاهپوستان هستند. تخمیناً حدود ۷۰ درصد کارگران را سیاهپوستان، ۱۰ درصد کارگران را رنگین‌پوستان و هلندی‌تباران و فقط حدود ۲۰ درصد آنها را سفیدپوستان تشکیل می‌دهند.

دستمزد کارگران در سال‌های ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰ به ترتیب ۱۷/۲٪ و ۱۶/۲٪ افزایش داشته در حالی که دریافت‌های اضافه بر اعتبار آنان، در سال‌های ۱۹۹۰ و ۱۹۹۱ به ترتیب ۲۱٪ و ۲۰٪ بوده است. در بین سال‌های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۳ دستمزد کارگران با توجه به سیاست‌های پولی دولت به ۱۱٪ در سال‌های ۹۳-۹۲ و دریافت‌های اضافه بر اعتبار به ۱۶/۲۵٪ در فوریه ۱۹۹۳ کاهش پیدا کرده است.

اعتصابات کارگری پر شمار در آفریقای جنوبی بیشتر علیه پایین بودن سطح درآمد کارگران، نامطلوب بودن شرایط کار و تنزل روزافزون پایگاه اجتماعی - اقتصادی آنان بوده است. اما چون این اعتصابات در اکثر قریب به اتفاق موارد توسط سندیکاهای متعدد کارگری (که آنان بیشتر بر حسب نژادها و شاخه‌های قومی کارگران تشکیل شده‌اند) رهبری می‌شوند، غالباً مبارزه با بیکاری را نیز یکی از بزرگ‌ترین شعارهای خود قرار داده‌اند.

بیکاری نیز طبیعتاً بیش از همه گریبانگیر سیاهپوستان شده است. بنا به گزارشی در بهار سال ۱۹۹۵ در حالی که ۴۱ درصد سیاهپوستان این کشور بیکار هستند، نرخ بیکاری در میان سفیدپوستان ۶/۴ درصد است، در این شرایط اختلاف

نسبتاً دوگانه را به وجود آورده است که از نظر جمعیتی - اجتماعی، اکثریت مردم آفریقای جنوبی را در مواجهه با بازاری به اصطلاح کارگری و ارزان قیمت قرار داده است. واردات کالاهای ارزان قیمت، از جمله لباس و لوازم خانگی در اکثریت قریب به اتفاق تناسبات خود متوجه سیاه‌پوستان آفریقای جنوبی است و شاید جایگاهی که اخیراً برخی از کشورهای جنوب شرقی آسیا مانند تایوان، هنگ‌کنگ و کره جنوبی در جدول واردات آفریقای جنوبی به دست آورده‌اند تا حدود بسیار زیادی ناشی از همین عوامل باشد.

به اضافه اینکه کارگران مهاجر به آفریقای جنوبی از کشورهای همجوار آفریقایی نیز بیشتر در همین گروه واقع شده با رفت و آمد به موطن اصلی خود می‌توانند نقشی در افزایش فروش و واردات این‌گونه کالاها به کشورهای آفریقای جنوبی ایفا کنند.

ایران نیز با صادر کردن گلیم، منسوجات پوشاکی و بهداشتی، ظروف و لوازم خانگی بهداشتی به ویژه ظروف و وسایل پلاستیکی، در این خصوص تجربیاتی به دست آورده است. منتهی سهم ایران در محل واردات آفریقای جنوبی در این بازار گسترده و مهیای محصولات نوپا و ارزان صنعتی بسیار ناچیز می‌نماید.

### اوضاع سیاسی

عوامل دیگری که روابط تجاری آفریقای جنوبی با کشورهای چون آلمان، ژاپن، آمریکا، انگلیس و... مزیت بخشیده است، حمایت واقعی آن قدرت‌های بزرگ جهانی از حکام نژادپرست آفریقای جنوبی طی دهه‌های منتهی به ۱۹۹۰ بوده است.

آلمان با وجود آن که رسماً پس از جنگ جهانی عاری از قدرت سیاسی (حق وتو در سازمان ملل، و...) نظامی داشتن ارتشی مداخله‌گر و... بوده است، در حفظ خود در مقام بزرگ‌ترین شریک تجاری آفریقای جنوبی طی سال‌های

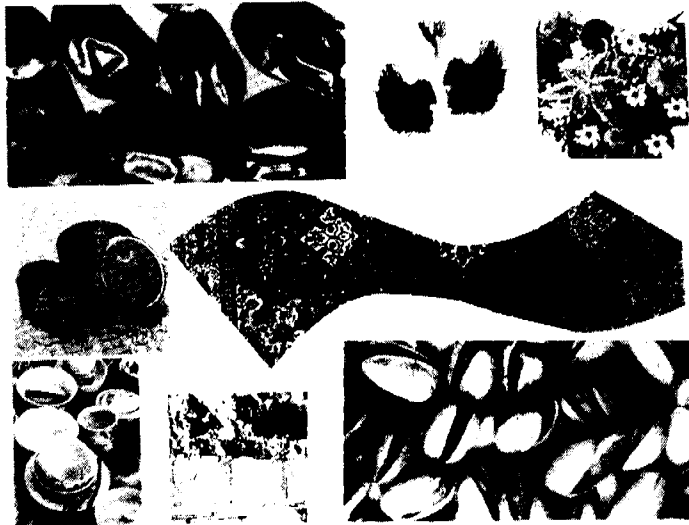
درآمد افراد شاغل سیاه‌پوست و سفیدپوست بسیار بالا است. فقر به صورت غیرقابل تصویری در این کشور غنی و زرخیز، جامعه اکثریت سیاه‌پوستان را فراگرفته است. بنابر به مطالعات صندوق بین‌الملل پول، اصولاً «میزان فقر در آفریقای جنوبی آنچنان وخیم است که سیاست‌های توزیع ثروت همراه با برنامه‌هایی بلندمدت جهت رشد اقتصاد و تولید منابع لازم برای پاسخ‌گویی به نیازهای محرومان جامعه است.» بر اساس برخی دیگر از بررسی‌های انجام گرفته، «آفریقای جنوبی دارای ناعادلانه‌ترین سیستم توزیع درآمد در جهان می‌باشد.» «برای حفظ مزایای سفیدپوستان، دسترسی سیاهان را به زمین، آموزش و پرورش و اعتبارات مالی محدودتر کرده‌اند.» «منابع اقتصادی و تجاری این کشور عمدتاً در دست سفیدپوستان و به خصوص یهودیان است.» «اقلیت سفیدپوست از مزایای فوق‌العاده برخوردار است. آنها در خانه‌های بزرگ که دارای تمامی تسهیلات رفاهی می‌باشند زندگی می‌کنند، حال آنکه محلات فقیرنشین فاقد حداقل امکانات زیستی (آب، برق، بهداشت و...) می‌باشند.» «به عنوان مثال در شرایطی که ۲۷ درصد خانواده‌های سیاه‌پوست دارای آب لوله‌کشی هستند، ۹۸ درصد خانواده‌های سفیدپوست از آب آشامیدنی بهداشتی برخوردار بوده‌اند.» «آمارگیری‌های انجام شده توسط دولت جدید غیرنژادپرست آفریقای جنوبی بیانگر وجود اختلاف‌های فاحش میان سیاه‌پوستان و سفیدپوستان این کشور است. از جمله سیاه‌پوستان از نظر میزان اشتغال و آموزش‌های حرفه‌ای بسیار عقب‌نگهداشته‌تر از سفیدپوستان آفریقای جنوبی هستند.» نهایتاً «بیش از نصف جمعیت آفریقای جنوبی زیر خط فقر زندگی کرده و بیش از ۶ میلیون نفر فاقد کار می‌باشند.»

چهره این نیمه بیشتر را شاید بتوان به کمک آماری که توسط وزارت بهداشت و جمعیت آفریقای جنوبی درخصوص دهه ۱۹۸۰ در این کشور منتشر شده است مجسم نمود. این تناقضات شدید، طبیعتاً الگوی مصرف و نهایتاً بازاری

جدول ۴۷: برخی شاخص‌های اجتماعی در آفریقای جنوبی دهه ۱۹۸۰

شاخص / نژاد	سفیدپوست	رنگین پوست	آسیایی	سیاه‌پوست
امید به زندگی (هنگام تولد به سال)	۶۹/۵	۵۸/۶	۶۵/۶	۵۸/۵
نرخ سواد در میان بزرگسالان (به درصد)	۹۹/۳	۸۲/۵	۹۲/۴	۶۷
مرگ و میر کودکان (به ازای هر یک‌هزار تولد)	۱۳/۲	۵۷/۵	۱۷/۴	۵۷/۴

مأخذ: Reports, July 1992



آپارتاید، غارت منابع ملی آن سرزمین و استفاده از نیروی کار بسیار ارزان قیمت آن کشور به بهترین منافع دست یافته‌اند و حفظ و تقویت حکومت آپارتاید به معنی حفظ و تقویت منافع آمریکا نیز بوده است.

انگلستان نیز با صحنه‌گردانی علیه تبعیض نژادی در داخل آفریقای جنوبی وضعی مشابه آمریکا در قبال آن کشور داشته است.

فرانسه به نظر می‌رسد در تحریم‌ها علیه آفریقای جنوبی جدی‌تر بود. چرا که وقتی مانند آمریکا و انگلیس سفیر خود را به عنوان تحریم از آن کشور فرامی‌خواند، علاوه بر آن سرمایه‌گذاری‌های جدید در آن کشور را منجمد کرده، عملاً منافع اقتصادی و نهایتاً روابط بازرگانی خود با آن کشور را کاهش می‌داد. با این وجود حجم تجارت خارجی بین این دو کشور نیز حاکی از سیاست دوگانه فرانسه می‌باشد.

به‌طور کلی کشورهایی که از نظر سیاسی خود را در مقابل حکومت نژادپرست آفریقای جنوبی و انمود می‌کردند، در عمل و غالباً به‌صورتی غیرمستقیم بیشترین واردات را به آن کشور داشته‌اند. بسیاری از کشورهای در حال توسعه نیز به‌منظور افزایش واردات مثلاً نفت خود به آن کشور همین سیاست را پیش گرفته بودند تا به جای آن که کالای خود را توسط کشورهای فوق‌الذکر و به‌صورتی غیرمستقیم (صادرات مجدد) یا قاچاق و مخاطرات آن به آفریقای جنوبی صادر کرده باشند، خود به‌صورتی مستقیم (یا حداکثر به کمک شرکت‌های فراملیتی) صادر کرده منافع بیشتری حاصل نمایند.

ادامه دارد ...

متمادی، لایه از راهبردهای سیاسی نیز بهره‌مند شده است. مثلاً جنبش مقاومت ملی موزامبیک (رنامو) که اصولاً ضد کمونیست بود و در آفریقای جنوبی مستقر گشته بود، وابستگی‌هایی به برخی از محافل راستگرایان آلمان غربی داشت. اما مهم‌تر از آن، نامیبیا که عملاً قسمتی از آفریقای جنوبی را طی دهه‌های اخیر تشکیل می‌داد، مستعمره سابق آلمان (تا ۱۹۲۰) و دارای روابطی تنگاتنگ و تاریخی با آن بود. آلمان به خوبی می‌توانست به عنوان غیرسیاسی بودن خود در صحنه جهانی، عملاً از تحریم‌های - لاقلاً لفظی - علیه حکومت آپارتاید اجتناب ورزد که این خود نوعی حمایت ضمنی از آن حکومت تلقی می‌شود. سوییس نیز از بسیاری از لحاظ وضعی مشابه آلمان داشت.

ژاپن به‌صورتی تلویحی ادعا داشت که تحریم اقتصادی با تحمیل محدودیت‌های بازرگانی علیه حکومت آپارتاید آفریقای جنوبی را سال‌ها قبل از آمریکا و اروپا انجام داده است. اما مواعقی که برقرار ساخته بود، در عمل به آن شدتی که ادعا می‌شد نبودند و فی‌الواقع در آن زمان سیاست بسیاری از صنایع ژاپن، مثل تویوتا بسیار بیشتر اعطای جواز ساخت بود تا سرمایه‌گذاری مستقیم. بعداً نیز با پرداخت اعتبار (نظیر اعتبار شرکت نیسان به گروه بیمه سان‌لام و... به تدریج توانست ضمن برخوردی مشابه برخورد آلمان با تحریم‌های اقتصادی - سیاسی علیه حکومت نژادپرست آفریقای جنوبی، جایگاه والایی در مبادلات تجاری با آن کشور به‌دست آورد.

ایالات متحده آمریکا البته بارها و برحسب ظاهر، حکومت آپارتاید را تحریم اقتصادی کرده است. اما حقیقت این است که سرمایه‌های آمریکایی در آفریقای جنوبی زیر چتر حکومت